









صاحبہ با دکتور پahlavi  
در بازگشت از هاوانا

صاحبہ

ما ندارد و کشورهای آنها هستند که بقول شما "معهد" ما مکویم پس جرا او آنچنانسته، در حالیکه من باید آنها بنشیم، و حرف خودم را برم. پس ایران باید در این کفرانس ها شرک فعالانه داشته باشد. از سوی دیگر اگر روشانگری را که بعضی از دولتان پیشنهاد می‌کنند ما در دیپلماسی اعمال بکنم به اینها کشیده خواهیم شد و شما میدانید در این دنیا هیچ انقلابی نمی‌تواند در اینها زندگی کند. س- راجع به مثال رادیو اهواز چی؟ ج- من نمیدانم. من به آن وارد نیستم.

## سقوط توه کی و ادامه بحران در افغانستان

یکشنبه شب خبرگزاریها گزارش دادند که نورمحمد توه کی رئیس جمهوری افغانستان از تمام پست های خود استغفار داده است و عده ای اعلت استغفار ایماند اکثر استغفارهای ساختگی و مصلحتی دیگر مقامات در کشورها ضعف ماجی و کالت ساختگی و مصلحتی دیگر هنگامی متضمن شد که چند ساعت قبل از آن رادیو کارشناس داده بود که نورمحمد توه کی روز جمعه اندکی پیش از آنکه استغفارهای در خیابانهای کابل تخریج دهد تغیر عده ای را در کابینه این کشور اعلام کرد بگفته ناظران رئیسی و وزیر کشور بخطه خودشان در حالیکه آیت الله منتظری نظری است "این ترمیم سه روز پس از بازگشت توه کی از کوچکی، نظامی است" این ترمیم سه روز پس از بازگشت توه کی از هاوانا و شرکت وی در کفرانس کشورهای غیر معهد انجام شد. توه کی در سر راه خود به کابل برای مذاکره با لئونید برزنف رئیس جمهور شوروی در مسکو توقف کرد.

آنچه در این رابطه یعنی مسافرت او به مسکو و استغفاری قابل درگ است تغیر سیاست مسکو در قبال سلطنه افغانستان بیاند و گویا شوروی می‌تواند بالاین پلتیک یعنی تغیر مهده در افغانستان که بی شاهزاده ای امریکا در قبال ایران و شاه و بختیار غیبیاند یعنی به اضطراب می‌تواند بفهماند آنچه که مردم افغانستان تعلیم آنچه در این راه بگذرد.

در ترتیب جلوی حرکت و چنین خلق افغانستان را بگرد. در خبر خبرگزاری تاس پیرامون ملاقات کفرانسی و برزنت گفته شده بود برزنت به نورمحمد توه کی اطمینان داد که ملت دوست افغانستان درباره خود می‌توانند بیش از این روی کمکهای همراهانه و بدوں چشم داشت شوروی حساب کنند با توجه به این قول برزنت بدست اتفاقی است. از زمانی که توه کی طی یک کودتای خونین در سال گذشته دروت را بدست گرفت و لوت طرفدار شوروی وی با یک جنبش جریکی رویه رشد مواجه بوده است.

در مردم استغفاری توه کی رادیو کابل گفت وی به سبب کالت کناره‌گیری کرده است. اما دیپلمات‌های اسلام آباد پایتخت پاکستان گذشته صورت گرفت تحت فشار محبوبر به کناره‌گیری شده است.

این تصرفی بدینال و قوع تیراندازی در اطراف اقامته رسمی رئیس جمهوری انجام گرفت و بنایه گزارش‌های سربازها و تانکها در کابل به راه افتاده بودند. گفته بیشود و حقیقت‌الامام نخست وزیر افغانستان که بعنوان مرد نیرومند کیم کشور در صحنه ظاهر گردیده و قدرت را بدست گرفته است از توه کی افزایی تر و تندروتر است.

آخرین خبرهایی که رسیده گاک است: برادر یک کودتا بوسیله حفیظ‌الله امنی نخست وزیر افغانستان توه کی از مقام خود برکنار شده است. به گفته یکی از رهبران گروههای مبارز سلمان در افغانستان، بین امنی و توه کی از متده بیشتر بخواهند. اما می‌تواند اختلاف نظر وجود داشته است. گفته بیشود و حقیقت‌الامام نخست وزیر توه کی بقدرت رسیده است.

دوازده ساعت پس از برکناری توه کی که ۱۷ ماه قبل گرفت از ۱۷ ماه پیش روزی که ۱۷ ماه پیش روزی از میان گذشته شده است. ناظران سیاسی در کابل اظهار می‌دانند درست در لحظه‌ای که در کابل اعلام شده بود، توه کی استغفار داده است. صدای انفجار بزرگ از کاخ ریاست جمهوری بگوش رسید، بنابراین تردیدی نیست که تغییر رژیم بدون خشونت صورت نگرفته باشد.

مانع موقع نیز گفتند ۳ تن از شخصیت‌های نزدیک توه کی از جمله رئیس سازمان امنیت و وزیر پیشین کشور وی به قتل رسیده‌اند، بنابراین شایعاتی که در کابل اعلام شده است. گفته بیشود در جریان کودتا معاون توه کی بقدرت رسیده است.

تمام عکس‌های وی از وزارت خانه‌ها و موسسات دولتی افغانستان برداشته شده است. ناظران سیاسی در کابل اظهار می‌دانند درست در لحظه‌ای که در کابل اعلام شده بود، توه کی استغفار داده است.

ایالت سوچی "کوتار" تصرف کرده و در ایالت جنوبی تر "پاکتیار" واحدهای نظامی بزرگ را به حصاره خود درآوردند.

میران تلفات نیروهای دولتی روزپرور فیاضی بافت تا آنچه که یک سختی جیمه ملی دو روز گذشته اعلام کرد و میران ایالت این کشور را فراگرفته و به صحنه خونین مبدل گشته، روی آرامش بخود ندیده است.

طی ماههایی وی از وزارت خانه‌ها و موسسات دولتی افغانستان دولتی وارد کردند و حتی یک پایگاه مهم را در اسر واقع در ایالت سوچی "کوتار" تصرف کردند و در ایالت جنوبی تر "پاکتیار" واحدهای نظامی بزرگ را به حصاره خود درآوردند.

میران تلفات نیروهای دولتی روزپرور فیاضی بافت تا آنچه که یک سختی جیمه ملی دو روز گذشته اعلام کرد و میران ایالت ایکیت که یک شاهزاده جیانی است، تعداده بیش از سیزده هزار شهید کشته، روی آرامش بخود ندیده است.

بدین ترتیب روزپرور روزیه برویه نیروهای نظامی که تنها تکه گاه دولت است شروع به تضعیف نموده آنچه که با جرئت میتواند گفت این است که شورشیان افغانستان همانطور که رهبر جنبشی این کشور گفته است به مبارزه خویش ادامه می‌دهند و چیزهای اسلامی هیچگونه اصول توافق را با امنی قبول نخواهند کرد. همانطوری که گفته شد با تغییر مهده در صرحنه سیاست با توجه به اینکه فقط خطی اینین یک کشور می‌تواند که این کشور شرکت ایجاد نماید.

اصول اسلامی دنیا کنند بجهوجه این و دیگر یاران او را که این موضع گیری مانند توه کی قادر نخواهند بود که آنرا که این موضع قحطی زده افغانستان به ارمنان آورند جاییکه با تغییر سیاست شورشی در قبال افغانستان باید به خواسته ایکی از این موضع پیدا می‌کند. ولی وقتی که خود این کفرانس بر اساس تناقضی بنا شده که اساس آن فلسفه، تناقضی با مبانی فکری باید انتظار مبارزات گسترش و شدیدتر را داشت....

انقلاب این نفعه را کشیده است که بک "کودستان آزاد" اعلام کند و با زمینه جنیه هایی که در کشورهای غرب و شرق درست کرده بوده، بلطفه چند کشور هم آنرا به رسمیت بشناسند.

س- آیا ماجراجی روبه شدن امام موسی صدر در کفرانس مطرح شد؟ ج- شاید داشته است. قلا احسان این توظیه بود که ضد

انقلاب این مورد بهما مکنند مطرخ کردند. ولی متناسبه هیچ خبر

جدیدی اضافه بر آنچه که همه می‌دانند به ما ندادند.

س- با توجه به تضادهایی که در داخل کشورهای غیر متعهد وجود دارد، تا جهانداری میتوان به پیشود هدف استغفار زدایی و عدم واسطگی ایران مطمن بود؟

ج- بله. ما این جریان را با کشورهای مختلفی که میتوانند

خود از کفرانس کشیده باشند مطرخ کردند. همه به یک میزان غیر

هدفهایی ضد امپراتوریست می‌کنند، بنابراین کفرانس چقدر من می‌رسی

سیاری میکنند. قریب ۱۳۰۰ خبرنگار خارجی در کفرانس شرک کرده بودند و ایران که برای اولین بار در بک "کودستان آزاد" ایامی بازگشت توه کی از این خبر

جنگی داد. و مانع اینکه جریان این کفرانس را هم از قول خودش را بیاند

س- شما چه گفتید که وقتی با صدام حسین صحبت میکردید اشاره

کردید که ایران قصد صدور انقلاب را ندارد، در حالیکه آیت الله منتظری در خطبه خودشان در نظر جمعه گفتند که

آیا حرف شما با گفته آقای متعهدی تضادی دارد.

ج- در یک فرضیتی که دست داد و با آیت الله منتظری راجع

به این موضوع صحبت کردیم فکر میکردیم آنکه مشترکی بینا

شده باشد، همچنانیکه ایران را پرسیدیم. آنها عذر

می‌آورند و میگفتند شما شروع کردید و یا شما اول به ماد گفتید.

ولی ما به آنها با صراحت گفتیم که شما مستقیماً بکفته شما شروع کردید.

دست داشته‌اید. و می‌دارد و آنها گفته بودند با یاد می‌گردید، توضیح دادند که

آنچه توه کی در خوزستان را می‌گردید اینکه خودش را با سلطه خوزستان

کردید. و این بعلت توه کی ایامی داده بودند با یاد می‌گردید، توضیح دادند که

آیت الله منتظری در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

آنچه توه کی در خوزستان را با خودش ایامی داده بودند که

عصر روز یکشنبه، دکتر ابوالحسن پahlavi وزیر خارجه دولت جمهوری اسلامی ایران در یک مصاحبه مطبوعاتی به مناسبت برگشت خود از کفرانس کشورهای غیر معهد در هاوانا، شرک کرد و به سوالات خبرنگاران پاسخ گفت. پahlavi راجع به برنامه‌ها و کارهای خود در این کفرانس توضیحات مفصلی بروای نمایندگان رسانه‌های خارجی داد. و مانع اینکه جریان این کفرانس را هم از قول خودگزاریها، در اختیار خوانندگان گذاشتند، این کفرانس را هم از قول خودگزاریها، در خارج‌می‌شود و جواب‌های رود و بدل شده را جای بگیریم.

\* بدیمال توضیحات دکتر پahlavi، نمایندگان رسانه‌های خارجی داده بودند که این سوال را در زیر مخواهید.

س- در مردم خوزستان را مورد بحث قرار داده بودند، آنها می‌گردیدند که این سوال را ایامی داده بودند با یاد می‌گردیدند.

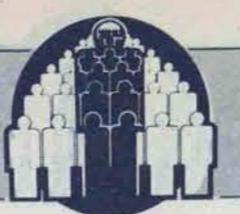
ج- در ایامی داده بودند با یاد می‌گردیدند که این سوال را ایامی داده بودند با یاد می‌گردیدند.

آنچه توه کی در این سوال را ایامی داده بودند با یاد می‌گردیدند که این سوال را ایامی داده بودند با یاد می‌گردیدند.

امامیه هر حال مایه‌شقدم شدیم تا این مسئله را از طبقه "دیپلماتیک" حل کنیم. اگر هم تا حالا اسناد اعمال شما را منتشر نکردند باید

حل گویر

ستند که بقول شما "معنیدند"  
نه، در حالیکه من باید آنها  
نم ایران باید در این  
نه داشت. از سوی دیگر اگر  
آنرا کشیده پیشنهاد می‌کند ما  
آنرا نمی‌تواند در آنرا زندگی  
لایسی نمی‌تواند در آنرا زندگی  
بیست.



## اصول مربوط به مذهب رسمی و روابط دولت ایران با ملل اسلامی مورد تصویب قرار گرفت

## مذهب رسمی ایران

پس از تصویب اصل مذکور، اصل مربوط به دین و مذهب رسمی ایران توسط آیت الله منظیری بدین نحو فراغت گردید: "دین رسمی ایران اسلام و مذهب عفری ائمه عشیری است و اصل الایدیغیرقابل تعییر است و رئیسجمهور باید دارا و مزوج این مذهب باشد. مذهب دیگر اسلامی ائم از حنفی و شافعی و مالکی و حنبلی دارای اخترام کامل میباشد و پیروان این مذهب در عقیده و میانی است. این درست مبنای وحدت خود است اسلام است عین تناسی و کامل این مذهب در انجام مراسم مذهبی خود طبق فقه خودشان آزادند و در تعیین و بعد میتوانند مذهبی خود را معرفت دارند و در هر دو ترتیب دینی و احوال شخصی (ازدواج - طلاق - ارث - وصیت) و دعاوی مربوط به حاکم شرع رسیت دارد و در هر شرطی ای که پیروان هر دو احوال این مذهب اکثراً داشته باشند مقررات محلی برطبق این مذهب خواهد بود. باخط متفق پیروان سایر مذاهب سیس آقای پیروش از گروه ۲ در توضیح این اصل گفت "این اصل مذهبی که مردم میتوانند این را معرفت دارند و در تصریح این مذهب آنچه مذهبی است و مذهب آن حفظی است مذهب دلایلی است که این عرض می کنم. دین رسمی ایران اسلام است و مذهب آن حفظی است مذهب که به آن اضافه شده و دارای آن جذب شده است بدین جهت است که دین از مذهب جدیاندش. چون مذهب رئیسجمهور در جای دیگر ذکر نشده است در همینجا ذکر شد که رئیسجمهور باید دارای این مذهب بوده و مزوج آن باشد.

مسئله دیگر این است که برادران اهل سنت، یعنی مذاهب ۴ گانه اهل سنت خصوصاً برادر عزیز آقای اولوی عبدالعزیز که در خدمتشان بودیم، ایشان مقید بودند که حتماً با پیشتری رسیت ۴ مذهب ذکر شود که پیشتری رسیت دادن در حضور توانستند دین شده در ۴ مورد به آنها، در چهارمورد در مینه مذهب و در یک مورد در زمان شیاری پیشنهاد کرد که "غل" روی آیه رای گرفته شود و بعد در این موقع که تشیخ پرس مفہوم آیه مجلس را فرا گرفته بود، مکارم شیاری پیشنهاد کرد که "آراء" پیشنهادی اکثراً پذیرفته شد. سپس مکارم شیاری پیشنهاد کرد که "هم" پس در این اصل متناسب لطف قانون، نیز است واضح است. چنان که این کلمه و اضافه شود. اکثراً نایابندگان تبدیل زمان تا میرسد به یادگاردن از حضرت مریم و امت مسیح (ع) باشد. بنابراین اصولاً از نظر نظم آیات که در هردو موضع یاد مکنید باشد که اینها بر طبق فقه خودشان عمل خواهند کرد.

حالاً برای اینکه خیال نکنندما فقط جسم دوختنایم به ایران خودمان، گویی اینکه مطلب اسلامی که اسلام است مورد توجه ماست، آن اطلاعی که قبل از اصل ۱۳ نوشته شده بود و بعد "بعضی از آقایان نظر دادند که این اصل در سیاست خارجی گنجانده شود هیئت رئیسه تصمیم گرفت که آن را مطرح نکند. آنهم قبل از اصل ۱۲ (اصل ۱۲) برای اینکه علوم بیشتری داشتند و هم اینکه اهل نیت مسلمان شنیدند در ایران و برادران ما هستند و آنها بر طبق فقه خودشان این مذکور را بگیرند.

امون ملاقات تزیک و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

سپس متن اصل بوسیله آیت الله عزیز شود. اکثراً این را مطرح نکنند. آنهم قبل از اصل ۱۲ (اصل ۱۲) برای اینکه علوم بیشتری داشتند و هم اینکه اهل نیت مسلمان شنیدند در ایران و برادران ما هستند و آنها بر طبق فقه خودشان این مذکور را بگیرند.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

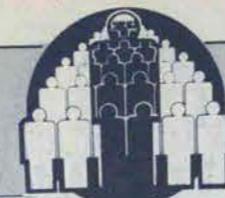
این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته که اینکه دول ملی را مطب اسلامی و این وظیفه باشد.

این مذکور را بگیرند و بزیز گفته



هاشمی نژاد نیز در رابطه با این اصل گفت: این اصل، اصل فوق العاده مهمی است. مسئله مذهب از جزء‌های بوده که در قوانین فلی هم بوده و عمل شده است. ایرانیان کلمی، زردشی و مسیحی اینجا هستند اگر مسئله مذهب را ذکر کردند متعالش احصار طلبی است بنابراین حق بدید که این اقلیت‌ها نیز ذکر اسلام را احصار طلبی بدانند. چطور ممکن است که مردم اسلام نظر اکثربت را ملک پیگیریم لیکن در زمینه مذهب نظر اکثربت ملک نباشد.

مطلوب دیگر اینکه ذکر شرایط رئیس جمهور جای طرحش در اینجا نیست و هیچ ضرورتی ندارد که اصلاً مسئله اینجا طرح نشود. دیگر اینکه دعاوی مربوط به حاکم شرع و فقرات محلی مبهم است. در این موقع آقای دکتر ضیائی پیشنهاد کفایت مذاکرات را نمود و آیت‌الله منتظری آن را پیرای نمایندگان گذاشت و این پیشنهاد ساکن اکثربت آراء تمویب شد مولوی عبدالعزیز گفت که اگر در این مردم خاص مسئله اکثربت مطرح است پس ما که در اقلیت هستیم بلند شویم و بروم. آیت‌الله منتظری در جواب گفت شما کم لطفی می‌فرمایید.

قرار براین شد که اصل مذکور نیز به جزء آراء گذاشته شود.

پس از تمویب جزء اول این اصل کلمه حق بعده از ذکر مذکور به براز

گذاشته شد لیکن این کلمه مورد تمویب نمایندگان قرار نگرفت در اثر

رد این کلمه دو تن از نمایندگان بنامهای حائری زاده و اشرافی

(نماینده آذربایجان شرقی) گعنوان اختراض جلسه را ترک گفته‌اند.

با الاراء پس از رای گیری در مردم جزء آقای اصل، اهل

مذکور بصورت نیز تمویب رسید. ذکر این نکته نیز ضروری است که در موقع رای گیری پیرای اصل، عده حاضر در جلسه ۵۸ نفر بودند که

با ۵۲ رای موافق، ۲ رای مخالف و ۳ رای متعنت اصل مذکور مورد

تمویب قرار گرفت با توجه به عده رای گیری شرکت نکرده است.

این اصل رسمی ایران اسلام و مذهب عرفی انشی عشری است و

از حقیقی، شاغفی، مالکی و خلبانی دارای احترام کامل می‌باشد و

پیروان این مذاهب در آنچه مراسم مذهبی خود طبق فقه خودشان

آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی (ازدواج - طلاق

پیروان هریک از این مذاهب اکثربت داشته باشد فقرات محلی در

حدود اختیارات شوراهای بروطب آن مذهب خواهد بود با حفظ حقوق

پیروان سایر مذاهب.

پس از تمویب این اصل، اهل بعدی که مربوط به اقلیت‌های مذهبی

بخت مجدد در برازه آن به روز سهشنبه واکذار گردید.

### متن تقاضانامه اهالی شهرستان داراب

بسم الله الرحمن الرحيم ولد الحمد

به پیشگاه مقدس و محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی -  
والحق‌الکبری‌الامام‌خمینی ادام‌اللعتالی ظله علی رؤس  
کافقالات‌نام - باکمال ادب و خصوص معرفت میداریم به مقنای  
ایه شریفه (این جا علی) از توقع مبارک‌بینی درروی زمین  
حاجتی علیکم الى آخر) از منصب منبله رهبر پیشوای امام‌الاطاعه  
دانها خلیفة الله با منصب منبله رهبر پیشوای امام‌الاطاعه  
هستند ولا غیر علی هذا اینجانیان اماماً کنندگان ذیل از اهالی  
منطقه شهرستان داراب فارس باخوانده ذکرها و اناناً طبق  
وظیفه شرعیه‌الله‌ای احادی را بهری ریاست جمهوری اسلامی  
نمی‌شناسیم و نمی‌ذیریم و هرگز نخواهیم بذیرفت جز شخص  
حضرت آیت‌الله مظلمه‌العالی که منصب و واجب‌الاطاعه  
هستند که اینکه هیچ‌فردی از مسلمین نخواهند پذیرفت و در  
قطعناهه حضوراً عدای از ماما بالغ برودار و دهزار نفر بعرض  
رسانیده‌اند و چون سایرین بواسطه نبودن و سیله بحروم  
مانندند بدن و سیله عمومی - خواسته خود را معروف داشته و  
مستندی اعلام اداء رهبری و قبول ریاست جمهوری اسلامی و  
هرچه زودتر از محضر مبارک هستیم تار اضطراب و نگرانی  
اینکه می‌ادای دیگری این منصب مختصه را اشغال نماید بیرون  
آمده و آسوده خاطر باشیم در خاتمه استطاله عمر واستدامه  
ظل شریف را از ساخت قدس حضرت روپیت جل و علی نبوده  
و مستلت مینمایم و در صور اولم و نواهی و فرمایشات و  
ارجاع خدمات گوش براه و در مبارزه با مخالفین حضرت  
ارواحتالک الفداء تا آخرین لحظات حیات بجهان اعلام  
میداریم.

### اطلاعیه

بنیاد مستضعفان از تاریخ یکشنبه ۱۳۵۸/۲/۱ چند غرفه در  
نمایشگاه بین‌المللی جهت فروش و میلان بمعرض عام  
میگذارد. خریداران محترم با رعایت شرایط ذیل میتوانند  
شکت گنند.

- 1- مبلغ دههزار تومان سیزده بحساب بنیاد مستضعفان در  
باجه بانک عمران داخل نمایشگاه بین‌المللی گذاشته و کارت  
حق ورود در فروشگاه دریافت میدارند.
- 2- دارنده کارت ورودی یک هزار میتوانید داشته باشد و از  
پذیرفتن اطفال معدودیم.
- 3- اگر مبلغ خردی بیش از سیزده باشد و جه سیزده میگردد.  
فاکتور منظور بیشود و اگر کمتر باشد پس از پرداخت و جداگانه  
و در موقع خروج با استرداد کارت ورودی وجه سیزده میگردد.
- 4- فروشگاه امکان صدور ۲۰۰ کارت دریک روز را بیشتر ندارد.
- 5- ساعت کار فروشگاه ۹ صبح الی ۱۲ و ۳ الی ۶ بعدازظهر  
خواهد بود غیرای روزهای تعطیل.
- ع- لطفاً کارت‌شناسی (شناختنامه یا گواهی نامه) همراه داشته  
باشید.

آدرس: خیابان مدرس (بزرگراه پارکی) جنوب لونا پارک  
در برابر نمایشگاه آسیایی  
بنیاد مستضعفان - هیئت‌امانه فروش

مشترک کمیسیون هم مطرح شد و من خوشحال شدم که باز ایشان  
مسائل را مطرح کردند و حال آنکه در آنجا بطور خصوصی این بحثها  
بود و اینجا بطور آشکار این بحثها مطرح شدند و یگوش همه‌ی برادران  
و خواهان ما از اهل تسنن و از هم‌جا برسد و نقطه‌نظرها کاملاً

شود.. اولین نکته‌ای که می‌خواستم عرض کنم این است که روزی انشا الله برجمده

اصل مربوط به مذکور اهل بیت عزت هستم. سنتی مکوید

ما باید در آغاز بگیریم. لبذا برادران عزیز علمای اعلام‌منظور این

است که چرا چند روز است مراجع به "اصل ۱۳ بحث و مجادله میکاریم

و این مطلب حل نمی‌شود. اینطور استعمال گرا بیچاره، که ده

بر مسلط بودند و استعمال گراها و استعمال‌گرهای ۱۴۰ سال بوسیله آنها

برای سوار بودند ازین بزمیم. می‌باشد متند و متفق باشیم. می‌باشد

محبت خود را بگذران بنشان بدینه، هیچ فرقی سین شیوه و سنتی

قابل نیاشیم. چرا اینطور خود را تاراحت می‌کنیم. به کلمه رسمی

و مذهب اینکه اخلاقی قدرتی را آن اخلاق‌افزار را که می‌گذراند

و این اصل قابل تقدیر است که می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها

مذکور می‌گیریم. می‌باشد و مذهب ایشان یکی از این‌ها









## در سمینار بررسی اقتصادی چه میگذرد

۵- تعریفی دقیق از سیاست پولی و مالی دولت برای جلوگیری ناپسامانی هایی که در این زمینه موجود بوده است

مولوی رئیس کل بانک مرکزی طی سخنرانی اظهار داشت:

هدف توسعه اقتصادی در گذشته این بوده است که از منابع موج هدایت استفاده گردد و مسئله مهم کمیت ها بوده است. در حالی که امور می تهیه کرده اید زیر و رو خواهد کرد. باید اول جلوی چنین مسائلی گرفته شود.

اسلام هم کیفیت اهمیت بیشتری دارد و هم مقام انسانی مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

رفاه اجتماعی در ایران باید مناسب با درآمد ملی باشد و نباید بعد از ملکت باشد.

بیجا به مردم داد و مسئله مهم نامن اشتغال می باشد. برنامه اقتصادی

ملکت نیز باید تامین کننده استقلال ملکت و مناسب با منابع موجود

نمایم. این ملکت باشد.

در گذشته عدم هماهنگی در روش کشاورزی و صنعت بود که موجب

برنامه های کوتاه مدت باشیم و سه موضوع بیکاری و افزایش تولید و افزایش

سرمایه گذاری در بخش کشاورزی را مورد توجه قرار دهیم.

سپس سیروس ابراهیم زاده معاون وزیر اقتصاد و دارائی اظهار داشت:

لازم است هرچه زودتر تکلیف مردم و وضع آینده مملکت را زیر

سازیم و نا وقته که اقتصاد جدیدی حاصل شود این انتظار را نداشتم.

روش اقتصاد مخلوط را ادامه دهیم تا مردم از اطمینان اقتصادی

برخوردار شوند.

اجازه دهد دولت دو سیاست مهم یعنی سیاست پولی و مالی

ادامه دهد تا اقتصادی ارشاد شده و هدایت شده را بوجود آورم تا

بنابراین دولت می تواند با دویازار تبریز و ملکت را

خصوصی هم فرست دهد آزادانه کارش را بعیی از افراد هم جلوگیری کنم.

تویلید کالاهای خاصی متمرکز کرده اند که برایشان صرفه بیشتری ایجاد می شوند.

صرفه آنرا داریم و در این مردم باید به کشاورزی توجه بیشتری نمایم

ابراهیم زاده بسیار افروز:

همه در مردم وابستگی صحت می کنیم بدون اینکه بدانم وابست

یک امر قهری توسعه اقتصادی است زیرا به رحالت تمام کشورها از نظر عیوب

کالاهای که یکدیگر وابسته اند و پیشرفت آنها هم امکانات خود را

تویلید کالاهای خاصی متمرکز کرده اند که برایشان صرفه بیشتری ایجاد می شوند.

هزار فرنگ آنرا خارج وارد می کنند. ما نیز باید توجه کنیم.

که اقتصادمان در چه رشته ای است و تمام امکانات خود را در آن رشته نمایم.

که از این ملکت تصمیم گیری فقط توسط دولت انجام می شود:

با ایجاد این اطمینان می توانیم مطمئن باشیم که هرگونه استراتژی

اقتصادی به راحتی به تنیجه می شود.

سپس ابوالحسن بنی صدر اظهار داشت:

بنظر من مطالعی که آقای رشیدی ذکر کردند تنها علت کوچکی از

زیم سابق چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی و اجتماعی و ایدئولوژی و

آقای نزیه در پایان به مسئله حل اطمینان مخصوص و مزهای

اقتصادی اشاره کرد و تأکید نمود که باید به مردم این امید و اطمینان داده

شود که در این ملکت تصمیم گیری فقط توسط دولت انجام می شود:

در این ملکت شفافیت از اینکه اینکه باید شود و باید نمایند اینکه اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند

که اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند اینکه باید نمایند



